

وظایف دانشجویان کمونیسست

انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری

دیماه ۱۳۸۶ - ژانویه ۲۰۰۸

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- دانشگاه در کشورهای استبدادی محلی برای رشد کمونیسم است. سیاست سرکوب حکومت‌های سرمایه داری تنها وقفه ای در این واقعیت می‌تواند ایجاد کند. دانشگاهها در انقلاب ۵۷ مرکز قدرتمند چپ موجود جامعه بود و تنها با سرکوب خونین "انقلاب فرهنگی" سرش و شرکا توانستند این وقفه را ایجاد کنند. کشتار دانشجویان مبارز و کمونیست در متن موج اعدامها و سرکوب انقلاب ۵۷، نهایتاً نتوانست "پیوند حوزه و دانشگاه" را عملی کند. دانشگاه اسلامی نشد. دانشگاه اصلاح طلب نشد. دانشگاه پست مدرنیست نشد. در کشورهای غربی عمدتاً دانشگاه محیطی برای تربیت کادر و عنصر متناسب با ساختارهای سیاسی و اجتماعی محافظه کار است. دلیل این امر را باید در تناسب قوای طبقاتی چپ و راست در جامعه و افق کمابیش مسلط از زندگی و آینده و نرم‌های اجتماعی دید که دوران دانشگاه یک مرحله آنست. این موقعیت در کشورهای اختناق زده و در متن بیحقوقی سیاسی و اجتماعی مردم و فقر و ناامنی اقتصادی، زمینه تمایل حرکت و اعتراض دانشجویان را به کمپ چپ جامعه و اعتراض رادیکال سوق میدهد. عروج مجدد تمایلات سوسیالیستی در دانشگاه در دل اختناق و سرکوب تنها این حکم پایه ای را اثبات میکند که دانشگاه بویژه در کشورهایمانند ایران محلی برای رشد کمونیسم و عقاید آزادیخواهانه و آوانگارد است.

۲- دانشگاه در عین حال محیطی علمی برای شناخت و کسب دستاوردهای فکری، نظری، فرهنگی، آموزشی، علمی، سیاسی و اجتماعی بشریت است. وجه مشخصه محیط آکادمیک تقابل با جهل و خرافه و عقب ماندگی سیاسی و اجتماعی، اتکا به علم و تفکر و توانائی بالفعل بشر، و لاجرم اخذ قالبهای اندیشه انتقادی و آرمانگرایانه است. برآمد اعتراض رادیکال در دانشگاه در کشورهایمانند ایران، محصول ضرب شدن انتقاد اجتماعی و آرمانگرایی در واقعیت عینی جامعه ای است؛ که بقایش را به خرافه و اختناق و مذهب و ناسیونالیسم و فقر و استثمار متکی کرده است. به این اعتبار اعتراض و تحرک دانشجویی در شرایط امروز ایران، تنها میتواند بعنوان بخشی پیشرو از یک جنبش وسیع اجتماعی و طبقاتی علیه وضع موجود پیش برود. اما

WWW.WUPIRAN.COM

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)
Ali_Javadi@yahoo.com
 Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com
Sivavash_d@yahoo.com

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرين رضانعلی)
nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئول خارج کشور (محمود احمدی)
mahahmadi@yahoo.com

دبیرخانه (شراره نوری)
markazi.wupi@gmail.com

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)
x_magid@yahoo.com Tel&SMS:+31(0)61 643 75 70

در منطقه و جهان تبدیل شوند. لازمه این داشتن بینش و سبک کاری اجتماعی و نقدی عمیق به وضع موجود است. ما در این راه بدوا دانشجویان کمونیست را مورد خطاب قرار میدهیم و برای تامین این افق و روش کار نهایت تلاش را میکنیم. فراخوان ما بدوا به کمونیستها و سوسیالیستها بعنوان پیشروان این حرکت است. تنها این لایه از دانشجویان میتوانند این سنت مبارزاتی و سازمانی را پایه گذاری کنند. سنتی که مرتبا بازتولید شود و با رفتن عده ای از دانشجویان از دانشگاه، این قلب تپنده همچنان تپنده بماند.

ما دانشجویان کمونیست و سوسیالیست را به بحث و تعمق در باره جوانب این پلاتفرم که در خطوط کلی تدوین شده است فرامیخوانیم!

مصوب دفتر سیاسی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

دیماه ۱۳۸۶ - ژانویه ۲۰۰۸



نقد رادیکال کارگری نه تنها نقد به وضعیت موجود است و نه تنها نقد در میان دانشجویان است. دانشگاه، بعنوان بخشی از جامعه، حامل گرایشات اجتماعی و تعلقات طبقاتی و محصولات سیاسی آنهاست.

۳- دانشگاه و دانشجو بخشی لاینفک از جامعه و سوخت و ساز سیاسی آن است. به این اعتبار "جنبش دانشجویی" ترمینولوژی و عنوان دقیقی نیست. تحرک سیاسی در دانشگاه همواره انعکاسی از جدالهای پایدارتر سیاسی و طبقاتی در جامعه است. قشر دانشجو هویت واحد طبقاتی ندارد، منفعت استراتژیک واحد ندارد. دانشجو طبقه نیست، اما منعکس کننده اهداف و تعارضات طبقاتی در جامعه است. دانشجو به مثابه شهروند و عضوی از طبقات و جنبشهای سیاسی و اجتماعی، و با توجه به خصلت موقتی هویت دانشجویی، همان افق و اهداف سیاسی و تمایلاتی را دنبال میکند که در سطحی پایه ای تر جنبشهای اجتماعی مختلف در جامعه دنبال میکنند. "جنبش دانشجویی" - اگر صرفا با منافع و مطالبات رفاهی خود ویژه دانشجو تبیین نشود- جنبشی نیست که به اعتبار دانشجو بودن و منافع استراتژیک و سیاسی دانشجو بعنوان یک حرکت پایدار تبیین شود.

۴- هویت سیاسی جنبش دانشجویی نیز هویتی پایدار و منعکس کننده شیوه زندگی و موقعیت دانشجویان نیست. بلکه هویتی است دورانی، بخشا سیال و در حال تکوین. هویت جنبش دانشجویی در هر دوره تابعی از موقعیت و مشخصات سیاسی و نقد اجتماعی- طبقاتی در جامعه است. زمانی دانشگاه با مبارزه ضد شاهی و دیدگاههای ضد امپریالیستی ناسیونالیسم چپ خود را تعریف میکرد. چپی که نقدش به وضع موجود از "ریخت و پاش سرمایه داری"، "وابستگی"، "وجود صنایع مونتاژ"، فراتر نمیرفت و مدافع "بورژوازی ملی" و آرمانهای ناسیونالیستی و رفرمیستی بود. امروز نقد چپ جامعه نقدی کارگری و ضد کاپیتالیستی است و لاجرم اعتراض دانشجو بیانی از این داده اجتماعی و طبقاتی است. تجارب قریب سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، آمدن و رفتن انواع دیدگاههای اسلامی و ناسیونالیستی در دانشگاه، بن بست و شکست عملی خط دوم خردادی اصلاح رژیم، بن بست و شکست پست مدرنیسم و افق امید به بالا، و مهمتر؛ واقعیات

سیاسی و اجتماعی جامعه ایران مانند فقر و اختناق و شکاف عظیم طبقاتی، از دانشگاه سنگری برای مبارزه میسازد. سنگری که پرچم آمل و آرزوهای پیشرو جامعه را بازتاب میدهد.

۵- تحرکات روز افزون در دانشگاههای ایران در سالهای اخیر پایان یکدوره را اعلام میکند. پایان دوران تاریک سرکوب گسترده چپ و انزوای آن، پایان رکود و پراکندگی و سرخوردگی ناشی از سرکوب انقلاب، پایان قالب زدن اندیشه و نقد و حرکت دانشجوی در چهارچوب جناح های حکومتی، پایان بروبیای افکار و تئوریهای توجیه گر وضع موجود، پایان قدر قدرتی راست افراطی، پایان دوران رخوت و ناامیدی، پایان افقهای که با خصوصیات ایندوران منطبق بودند. پایان ایندوره و عروج نسلی امیدوار و مدرن که بدهی خاصی به این تاریخ ندارد، تلاطمات اجتماعی و طبقاتی در جامعه، و عروج مجدد نقد کمونیستی و کارگری، زمینه اجتماعی تحرکات و رشد اعتراض پیشرو در دانشگاهها است. نقد کارگری و ضد کاپیتالیستی و مارکسیستی به وضعیت موجود را کمونیسم کارگری نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری بستر اصلی نقد سوسیالیستی وضعیت موجود است و امروز هر حرکت آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه، گوشه ای از این نقد اجتماعی کارگری را منعکس میکند. دانشگاه بعنوان یک مرکز فعال فکری و سیاسی بیش از هر مکان دیگر این دیدگاهها را بازتاب میدهد. کمونیسم کارگری منصور حکمت در شکل دادن و تکوین نسل جدید سوسیالیست نقش اساسی داشته است.

این روند اما باید در سطوح مختلف تثبیت شود؛

۱- تبیین استراتژی سیاسی

استراتژی سیاسی قطب نمای فعالیت و پیشروی هر جنبش اجتماعی است. کمونیسم کارگری در ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی، الغا نظام سرمایه داری و برپائی یک حکومت کارگری مبارزه میکند. استراتژی سیاسی چپ در دانشگاه نمیتواند از استراتژی طبقه کارگر و سوسیالیسم کارگری بطور کلی جدا باشد. حکومت اسلامی را دانشجوی به تنهایی نمیتواند سرنگون کند. سرنگونی امر جامعه و طبقه کارگر و

دانشگاهها برای کشاندن دانشجویان پشت سیاستها و پروژه های خود از قبیل "انتخابات"، "انرژی هسته ای حق ماست"، تبلیغات ناسیونالیستی، چماقداری و ایجاد مزاحمت برای مردم، حمله به زنان، و غیره است. دانشگاه و اعتراض دانشجویی باید مرتباً مواضع روشنی در قبال این مسائل بگیرد تا قادر شود هژمونی سوسیالیستی طبقه کارگر را در قلمروهای مختلف گسترش دهد. اتخاذ چنین سیاستهایی دانشگاه های کشور را به یک کانون سیاسی فعال و مرکزی پر جنب و جوش و آگاه تبدیل میکند و توده دانشجویان را به لایه ای موثر از فعالین و کادرهای اردوی آزادی و برابری ارتقا میدهد.

جمع بندی؛

دانشگاهها در ایران بویژه در شرایط سیاسی امروز یک نقش تعیین کننده میتوانند ایفا کنند. این امر بدواً وظایف دانشجویان کمونیست است. موقعیت امروز چپ در دانشگاهها تنها در صورتی تثبیت میشود که کمونیستها بتوانند گامهای اساسی بردارند و ماحصل این اعتراضات را بچینند و به یک سنت قوی مبارزاتی تبدیل کنند. تثبیت هژمونی چپ در دانشگاه و مقابله با سیاست سرکوب در گرو یک پیشروی سراسری در قلمروهای مختلف است. نه جدال فرقه ای، نه فعالیت پراکنده و آکسیونی، نه بی سازمانی دانشجوی، نه فقدان یک رهبری قدرتمند، و نه بی برنامهگی قادر نیست این پیشروی سراسری را پاسخ دهد. حتی خطر این هست که با سرکوب و اعمال فشار این دستاوردها عقب رانده شود و مجدداً دانشگاه مجموعاً دست راست ها بیافتد. ایندوره از فعالیت و مبارزه پرشور دانشجویان باید جمع بندی شود و حرکت برای ایجاد سازمان سراسری دانشجویان در دانشگاههای بزرگ و مراکز اصلی عملاً به دوره و تتمه محصولات "انقلاب فرهنگی" مهر پایان بگذارد. سوسیالیسم ضد کاپیتالیستی و قرن بیست و یکمی باید با مشخصات دوره خود به میدان بیاید و از روشهای غیر موثر، محدود، فرقه ای، آکسیونی صرف، و ماجراجویانه اجتناب کند. اعتراض و حرکت دانشجویان باید با قطنمای سیاسی و استراتژی طبقاتی کارگر برای آزادی جامعه هماهنگ شود. دانشگاهها در ایران میتوانند و باید به قلب تپنده آزادی و برابری و یک مرکز فعال سیاسی و یک الگوی آوانگارد

برای تثبیت و پیشروی چپ است. اما اگر همه این سطوح بتواند در اشکال مختلفی متحقق شوند، هنوز یک محیط سیاسی و فعال نیازمند تلاش روزمره برای معنی کردن این افق و استراتژی و زنده نگه داشتن دانشگاه بعنوان یک سنگر مبارزه سوسیالیستی است. این مسئله ما را به مقوله تاکتیک های روز میرساند. تاکتیکهایی که به سوالات روز و اساسی در جامعه مربوط است و توجه جامعه را در ابعاد وسیع تری بخود جلب میکند. باید تصریح کرد که تاکتیک برای جریان سوسیالیستی تناقضی با اهداف و آرمان اجتماعی ندارد. ما نمیتوانیم از دریچه تاکتیک مبشر سیاستهای ارتجاعی شویم. امری که سنتا در میان چپ اردوگاهی سابق مرسوم بوده است و تاکتیک برایشان به "پلتیک" تبدیل شده است. برای کارگر و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی تاکتیک وسیله ای در خدمت رسیدن به استراتژی است و ماهیتا در تناقض با آن قرار ندارد.

الف) سازماندهی جنبش همبستگی:

معنی عملی دفاع از طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهانه نباید به اعلام موضع سیاسی صرف تقلیل یابد. قلب اعتراض در دانشگاه باید همراه با تپش اعتراض طبقه و حرکتهای آزادیخواهانه بزند. اقدامات مشخصی باید در این زمینه در دستور روز قرار گیرد؛ از جمله سازمان دادن جنبش همبستگی با اعتراضات طبقه کارگر، ایجاد کانونها و گروههای کاری برای حمایت از کارگران، اطلاع رسانی در مورد اعتصاب و مبارزه کارگری، اعلام همبستگی نمایندگان دانشجویان در میان اعتصابیون، بحث پیرامون جایگاه اعتراضات و اعتصابات کارگری در جلسات و مجامع دانشگاهی و ... از این جمله اند. همین سیاست در مورد دیگر جنبشهای اعتراضی و برابری طلب میتواند در اشکال مناسب پیش برده شود.

ب) اعلام موضع در قبال مسائل سیاسی:

یک جنبش سرزنده و فعال و یک رهبری خوش فکر و تیز، مرتبا در مورد مسائلی که در جامعه ذهنیت توده مردم را شکل میدهد واکنش نشان میدهد. یک مثال در این زمینه واکنش در قبال تلاشهای رژیم در

احزاب سیاسی است. حتی تامین و تحمیل آزادیهای سیاسی محصول تحرک عمومی تر و رادیکال و انتقادی در جامعه است. دانشگاه باید تریبونی برای اعلام و برجسته کردن خواستههایی باشد که اردوی آزادی و برابری و سوسیالیسم مطرح میکند. دانشگاه باید نوک تیز و فشرده اعتراض سوسیالیستی و حرکت سلبی علیه قدرت فائقه و نیروهای متعدد کمپ راست بطور کلی باشد. استراتژی سوسیالیستی در دانشگاه متکی به تقویت گرایش رادیکال و سوسیالیستی در جنبشهای اعتراضی مختلف است. ارکان اساسی این استراتژی نقد موانع این جنبشها، معرفی و تقویت خواستههای جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب، توده گیر کردن مبانی نقد سوسیالیستی در هر قلمرو معین، ایفای نقش بعنوان جنبشی آوانگارد، و تثبیت سنتی سوسیالیستی در حرکت و تشکل و اعتراض دانشجویی است.

یک رکن مهم این استراتژی نمایندگی نسل جدید و تصویرش از آینده است. دانشجویان پیشرو بخش آگاه این نسل هستند. نسل جدید جمهوری اسلامی را نمیپذیرد. ضد تبعیض و ضد مذهب بودن، برابری طلب بودن، مدرنیست و غربی بودن، ویژگی اکثریت عظیم نسل جدید است. جناح چپ و مشخصا کمونیسم کارگری نماینده حرکت و اعتراض دانشجویی و انعکاس کاراکتر سیاسی این نسل است. اگر چهارچوبهای حکومتی و ظرفیتهای مشابه در اپوزیسیون راست که تداوم وضع موجود فرض پایه ای اش است، نمیتواند افق نسل جدید جامعه ایران باشد، آنوقت چپ ترین نقد به نظام موجود، یعنی کمونیسم و سوسیالیسم و برپائی جامعه ای آزاد و برابر و انسانی، میتواند و باید به افق این نسل و سنت مبارزاتی اش در دانشگاه تبدیل شود. فی الحال در دانشگاههای کشور این نقد سوسیالیستی و کمونیستی کارگری خود را در اعتراض و خواستههای دانشجویان بازتاب میدهد.

یک رکن دیگر استراتژی سوسیالیستی در دانشگاه دفاع از آزادی و برابری زن و مرد و نفی نظام آپارتاید و قوانین مترتب بر آن است. مسئله زن یک خصوصیت مهم هر تحول سیاسی در ایران است. هجوم زنان به دانشگاه جزئی از مقابله روزمره با آپارتاید اسلامی است. میزان دانشجویان زن در ایران علیرغم تمام محدودیتهای اسلامی یک

را می‌شناسد، و حقانیت رهبری سوسیالیست‌ها را اثبات می‌کند. حضور در قلمرو دفاع از مطالبات رفاهی دانشجویان، بالا بردن توقع دانشجویان از محیط زندگی و درس، داشتن امکانات لازم برای زندگی و فعالیت و تحقیق، مخالفت با محدودیتهای تحمیل شده و تلاش برای تغییر آن، خواست محیط ایمن تر و مرفه، و تلاش برای تحقق آنها یک قلمرو مهم متحد کردن و متحد نگهداشتن دانشجویان است.

۶- تلاش برای الغای قوانین اسلامی در دانشگاهها

یک رکن فعالیت دانشجویان مقابله با فضای موجود نظامی و مذهبی و آپارتاید رسمی و قانونی در دانشگاهها است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی فقط در دانشگاه قانون عوض نمی‌کند. اما میتوان بقدرت دانشجویان این قوانین را دوفاکتو و تدریجا الغا کرد. یعنی میتوان دانشگاه را به آزادترین محیط سیاسی ایران تبدیل کرد. برای این کار باید در کنار برپائی جلسات و اجتماعاتی که دانشجویان را به این موضع براند که نباید پذیرفت، مسائل متنوعی را هدف قرار داد؛ از جمله اعتراض به نظامی و امنیتی کردن دانشگاهها و خواست انحلال این نهادها و بیرون راندنشان از دانشگاه. مقابله با جدا سازی و قوانین آپارتاید جنسی، زیر سوال بردن مرتب نرمها و قوانین، مقابله با فرهنگ مردسالار در میان دانشجویان. مقابله با سیاست ضد علمی در فضای آکادمیک و شکستن تابوها. مقابله با مذهبی کردن محیط آموزشی و طرح خواست جدائی دین از دولت و از آموزش و پرورش. راه انداختن جنبش آزادی بیان و تبدیل آن به یک ویژگی بدیهی در دانشگاه. هویت دادن به این فعالیتها با طرح شعارهایی مانند؛ دانشگاه پادگان نیست! دانشگاه حوزه و مسجد نیست! دانشگاه زندان زنان نیست! و غیره.

۷- تاکتیکهای روز

سمتگیری اجتماعی و طبقاتی دانشگاهها، دفاع از چپ و سوسیالیسم در جامعه، جدال برسر افق و راه حل کارگری در جدال قدرت، تامین امر رهبری و سازمان توده دانشجویان، و حضور فعال در مبارزه برای مطالبات رفاهی دانشجویان، ارکان مهم فعالیت سیاسی در دانشگاهها

شاخص ساده برای تشخیص این تلاش اجتماعی است. استراتژی سوسیالیستی باید توجه اکیدی به این امر داشته باشد. انسان محوری کمونیستی و مخالفت با نفس تبعیض در الفبا و اصول سوسیالیسم، بر توجه دقیق و ویژه به این قلمرو تاکید می‌کند. برای هر ذره از حقوق و آزادی زن باید جنگید و زنان در این جنگ فی الحال درگیرند. روشن است آزادی و برابری کامل زن و مرد در نفی نابرابری بنیادی این جامعه پاسخ می‌گیرد که تبعیض براساس جنسیت در خانواده و در جامعه تنها انعکاسی از این نابرابری بنیادی است.

۲- جدال برسر افکار و افق جامعه

دانشگاه یک سنگر جدال برسر افق جامعه است. هژمونی سیاسی در هر جنبش اجتماعی بدون داشتن هژمونی فکری ممکن نیست. افقهای راست در دانشگاهها شکست خورده اند. اما این به معنی پایان ابراز وجود آنها در جامعه و دانشگاه نیست. مادام که جمهوری اسلامی و ارتجاع در ایران سر کار است، مادام که منافع عینی طبقات دارا و بخشهای مختلف بورژوازی بعنوان سدی در مقابل اکثریت عظیم مردم عمل میکند، افق راست در اشکال جدید و حتی "چپ" و زیر چتر حمایتی قدرت فائقه در مقابل چپ صف آرایی میکند. حتی اگر فاکتور سرکوب را موقتا نادیده فرض کنیم، راست در کلیت آن تلاش میکند چپ جامعه و کمونیسم و نقد سوسیالیستی را به حاشیه براند. اعتراض رادیکال اجتماعی و تقویت و تثبیت سنت اعتراضی آن در جامعه، نیازمند یک جدال بدون وقفه در قلمرو افکار و آراء است. دفاع از آرمان و آلترناتیو کارگری برای آزادی جامعه، نقد نظریات و مکاتب ارتجاعی و دست راستی، نقد استراتژیها و سیاستهایی که به عناوین مختلف اختناق و حاکمیت سرمایه را تحکیم و بازسازی میکنند، و تلاش برسر تبدیل کمونیسم به افق جامعه، یک قلمرو تعطیل ناپذیر جدال در دانشگاهها است.

دانشگاه نیازمند یک خانه تکانی از میراث عقاید ارتجاعی و رنگارنگی است که؛ چه راسا در قاموس کلاسیک افکار و ایدئولوژیهای دست راستی، و چه در لباس چپ و انواع سوسیالیسم های بورژوائی و غیر

فعالیت و تلاش محفلی و میکرو به فعالیت و تبلیغات وسیع و ماکرو رویاورد. چپ را اجتماعی تر کند و هژمونی سوسیالیستی را در دانشگاهها تثبیت کند. رهبران چپ در چنین مکانیزمی ایمن ترند. فعالیت موثرتری دارند. سنت سیاسی و سازمانی قویتری را پایه میگذارند. چنین تشکلی همزمان که مدافع پرنسپهای آزاد و انسانی است، راست را در ابعاد وسیع میتواند ایزوله کند. تنها مرز یک تشکل مستقل دانشجویی، نپذیرفتن عناصر وابسته به حکومت و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و کسانی است که در سرکوب دانشجویان نقش داشته اند. چنین تشکلی میتواند نشریه معتبری را منتشر کند، پرچم دفاع از آزادی بیان را در مقابل اختناق بدست بگیرد، و تریبونهای دانشجویی را در مجامع عمومی دانشجویان معنی مادی و واقعی بدهد.

۵- مطالبات رفاهی دانشجویان

یک موتور محرکه اعتراض دانشجویان در ابعاد وسیع، معضلات مشترک رفاهی آنهاست. امروز هزینه تحصیل و آموزش یکی از اقلام عمده زندگی است. برای دانشجویان کمونیست و سوسیالیست این نه امری ایزاری، نه امری "صنفی"، بلکه موضوعی مهم و قائم بذات در راستای دفاع از حقوق و حرمت و آسایش دانشجو بعنوان یک انسان است. گرایش راست با "صنفی" نامیدن این خواستههای دانشجویان غیر سیاسی گری را دامن میزند و عملاً سیاستی ارتجاعی را تبلیغ میکند. برخی از گرایشات چپ نیز با تحقیر تلاش دانشجو برای تحقق این مطالبات همین دیدگاه را در شکل دیگری دنبال میکنند. برای سوسیالیستها دفاع از معیشت و رفاه و محیط ایمن جزئی لاینفک از دفاع از آزادی و برابری انسان بطور کلی است. زمانی گران شدن بلیط اتوبوس محرک یک جرقه سیاسی و اعتراض وسیع میشد. یا اعتراض کارگر برای ندادن دستمزد بلافاصله و بنا به ماهیت دولت و مقابله آن با اعتراض کارگر به امری سیاسی تبدیل میشود. لذا تبئین ها و سیاستهایی که از سازماندهی دانشجویان برسر مطالبات رفاهی دانشجو و آموزش رایگان شانه خالی میکند، نگرشی غیر سوسیالیستی است. این گرایش متوجه نیست که این مجرائی است که دانشجو قدرت و تشکل جمعی خود را باز میثناسد، ماهیت سازشکارانه گرایشات راست

کارگری، فلسفی و ایدئولوژیک، ناسیونالیستی و آوانتوریستی در دوره های مختلف ابراز وجود کرده اند. این بدون بدست گرفتن قدرتمند سنت نقد مارکسیستی و کمونیستی کارگری غیر ممکن است. اگر قلب این جنبش با هر اعتراض و اعاده حق و گردن نگذاشتن میزند، مغز این جنبش باید متکی به کمونیسم مارکس و منصور حکمت و جدال برای تثبیت و توده گیر کردن آن باشد. جدال فکری برای سوسیالیسم و کمونیسم با جدال فرقه ای نباید یکی فرض گرفته شود. کمونیسم در دانشگاه باید با بسترهای اصلی تفکر بورژوائی در بیافتد و در این متن هم خانواده های آنها را نیز در حاشیه بستر رسمی نقد کند. امروز در ایران نقد سرمایه و مدافعین سرمایه داری، نقد ناسیونالیسم و شبه "لیبرال" های مذهب زده، نقد جنبش ملی اسلامی، نقد قوم پرستی و مذهب پاستوریزه و بقایای دیدگاههای منحط پست مدرنیستی که اجزا و آکتورهای استراتژی نظم نوینی اند، نقد واریاسیونهای آن در زبان "چپ" که زیر پرچم دمکراسی و حقوق بشر سینه میزنند، قلمروهای اصلی مصاف فکری اند.

۳- رهبری و سازمان

اعتراض و حرکت دانشجویی نیازمند یک رهبری هم افق است. در شرایط امروز فعالین مختلفی در جلو صف اعتراض قرار میگیرند، برای دخالت دانشجویان تلاش میکنند، به اجتماعات جهت میدهند، شعار و قطعنامه تهیه میکنند، در مباحث شرکت میکنند، و ابراز وجود چپ را بطور کلی در دانشگاه تامین میکنند. اینها همه پیشروی است اما بشدت ناکافی است. اگر درپس هر موفقیت نتوان در ارتفاعی بلندتر قرار گرفت، تکرار همان موفقیت و تبدیل آن به یک مناسبت دیگر پیشروی نیست، درجا زدن است. اعتراض و تحرک دانشجویی امروز نیازمند عروج صفی از رهبران محبوب و توده ای و قابل اعتماد است. عروج این صف اختیاری نیست بلکه امری اجتماعی و پراتیکی و حاصل کار سازمانیافته است. رهبری در متن یک مبارزه توده ای اعمال و تامین میشود. مبارزه امری علنی و اجتماعی است، به طریق اولی رهبری سیاسی مبارزات نیز همین خصوصیت را دارد. کسانی که به سوال و مشغله امروز این جنبش پاسخ میدهند، فعالینی که جهت و

قطنمای دانشجو را رقم میزنند، رهبرانی که مورد اعتماد و پشتیبانی دانشجویان هستند، امنیت بیشتری دارند و بعنوان رهبران جنبش دانشجویی در هر دوره برسمیت شناخته میشوند. یعنی توسط مجمع های دانشجویان بعنوان سخنگویان و رهبران خود برگزیده شوند. و این ما را به تشکل میرساند. مادام که وضعیت به روال امروز پیش رود، رهبران دانشجویی بناچار در سطح محافل و نشریات باقی خواهند ماند و سنتی پایدار و سبک کاری توده ای شکل نخواهد گرفت. در فقدان مکانیزمهائی که این ارکان؛ یعنی رهبری و سازمان و دخالت آگاهانه دانشجو را تامین کند، این خطر همواره وجود دارد که حرکت دانشجویی به طرف آوانتوریسم و یا پاسیفیسم متمایل شود.

۴- تشکل توده ای مستقل

امروز ایجاد سازمانهای توده ای و مستقل از دولت دانشجویان یک ضرورت عاجل است. "جنبش دانشجویی" در ایران، بدلیل سرکوب سیاسی و پادگانی کردن دانشگاهها، فاقد سازمان متحد کننده و دربرگیرنده دانشجویان است. سازمانی که متکی به یک سنت پایدار و فرهنگ فعالیت سیاسی رادیکال و پیشرو است. پیشروان و فعالین دانشجویان باید به این ضرورت پاسخ دهند و امر تشکل توده ای دانشجویان را در دانشگاههای کشور به مشغله و اولویت دانشجویان تبدیل کنند. تشکیلات و سازمان علنی را باید برپا کرد. تشکل هسته اصلی یک پیشروی پایدار و تثبیت دستاوردهای تاکنونی است. در کشورهای اروپائی به اقتباس از دمکراسی نیابتی، دانشجویان در "پارلمانهای دانشجویی" و نهادهای مشابه متشکل میشوند. وظایف این نهادها بنا به ساختار سیاسی موجود، تربیت کادر برای همین سیستم در فردای پایان دوران دانشگاه است. موضوعاتی مانند خواستهای رفاهی دانشجویی، علیرغم توجه به آنها، جایگاه اساسی در کل استراتژی و کارکرد این تشکلها ندارد. این الگوها که خود را در قالب اتحادیه ها و کنفدراسیونها و پارلمانهای دانشجویی متجلی میکند، در جامعه اختناق زده و سیستم سیاسی در ایران و کشورهای موسوم به "جهان سوم" فاقد موضوعیت عملی و اجتماعی است. دانشگاه ها در ایران به تشکلی نیاز دارند که اولاً، وسیعترین توده دانشجو را در خود متشکل کند. ثانیاً،

توده دانشجو را با عمل مستقیم و دخالت مستمر در امر خویش به میدان آورد. ثالثاً، رابطه ای دینامیک با سوخت و ساز سیاسی جنبشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جامعه ایجاد کند. بعنوان بخشی از جامعه از آنها تاثیر بگیرد و متقابلاً در سیر حرکت خود به انسجام و قدرت آنها بیافزاید. به این اعتبار نام تشکل اهمیت درجه اول را ندارد، هرچند نامی که مختصات این رادیکالیسم توده ای را بازتاب دهد، وجه معرفه بهتری برای آن است. اتحاد شوراهای دانشجویان و جنبش مجامع عمومی دانشگاهها، که خود را با دخالت مستمر و توده ای و آزاد و برابر دانشجو مشخص میکند و فاقد بورکراتیسم ذاتی ساختار اتحادیه ای و نیابتی است، و به این اعتبار از وزن و قدرت بالائی در میان توده دانشجویان برخوردار است، اشکال سازمانی مناسبتری برای تشکل دانشجویان است.

یک سوال ممکن است این باشد که آیا ایجاد تشکلی که وسیعترین توده دانشجو را به عضویت میپذیرد، عملاً به یک ائتلاف و وحدت گرایشات سیاسی و طبقاتی منجر نمیشود؟ پاسخ اینست که این تشکل حزب نیست، سازمان توده ای دانشجویان است. در چنین سازمانهایی گرایشات اجتماعی تعین فراکسیونی می یابند. گرایشات اجتماعی وحدت نمیکند، بلکه در یک مکانیزم مبارزاتی و زنده و سیاسی برای تامین هژمونی خود تلاش میکنند. در این سازمان دربرگیرنده دانشجویان که باید به همت دانشجویان کمونیست پایه ریزی شود، چپ ها و سوسیالیستها و آزادیخواهان وزنه بمراتب قویتری خواهند داشت. وضعیت امروز دانشگاهها همین را گواهی میدهد. در فقدان چنین راه حلی، تنها میتوان تشکلهائی مانند "دانشجویان مبارز" یا "اتحادیه دانشجویان چپ" و یا جمعهای ویژه سوسیالیستها و کمونیستها را تشکیل داد. این نوع تشکلهای ضروری اند اما با تشکل وسیع و توده ای دانشجویان یکی نیستند. یک شورای کارگری یا مجمع عمومی کارگران یک مرکز صنعتی نمیتواند صرفاً تشکل دربرگیرنده کارگران سوسیالیست باشد، بلکه ظرف تشکل کارگران است. اما ایجاد تشکلی که اهداف آزادیخواهانه ای دارد و توده دانشجو را در مکانیزم طبیعی خود وارد میکند، این امکان را به گرایش سوسیالیستی میدهد تا بجای